



Ethics Central to the Ideology of Islamic Banking with a Modern Jurisprudential Approach

_____ **Siyamak Jafarzadeh^{1*}, Safdar Mohammadi²** _____

1. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and law, Faculty of Letters and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.
2. Instructor, Department of Islamic Jurisprudence and law, Faculty of Letters and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2021.38893.1004

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13610.html

Corresponding Author:
Siyamak Jafarzadeh

Email:
S.jafarzadeh@urmia.ac.ir

Received: 2021/12/23

Accepted: 2022/04/15

Available: 2022/05/23

Open Access 

Keywords:
banking, Islamic contracts, usury, morality, Economic Jurisprudence.

ABSTRACT

Most contracts in Western banking system based on usury transactions concluded and the Bank only goal is profit, regardless of the client's interests and the interests of society. Therefore, in these banking systems there is no room for moral principles, but usury is forbidden in the Islamic banking system and the way of unilateral self-interest of the banks closed. This paper uses descriptive approach - to prove analytical and ethical Islamic banking contracts is hereby explain that the term ethical banking, Islamic banking is synonymous with the term. The main matter is this: Is Islamic banking contracts were based on moral principles? In this study, leading to the conclusion that the main objective of promoting Islamic banking transactions without interest and usury contracts deleted because interest as one of the major sins, indecent known And in terms of oppression of the poor and obstacles that would promote the charity and helping your fellow man, Contrary to moral principles, but trading interest-free loan to help the poor and promote a culture of moral virtues is trying to institutionalize and relying on moral principles such as solidarity and participation, partnership contracts to replace usury and thereby created fertile ground for job creation and entrepreneurship Finally, moral corruption, poverty and unemployment that hit the bed.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



اخلاق محوری در ایدئولوژی بانکداری اسلامی

بارویکردن نوین فقه

سیامک جعفرزاده*، صفدر محمدی^۲

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
۲. عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2021.38893.1004

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13610.html

چکیده

نویسنده مسئول:

سیامک جعفرزاده

ایمیل:

S.jafarzadeh@urmia.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۲



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

بانکداری، عقود اسلامی، ربا، اخلاق، فقه اقتصادی.

در نظام بانکداری غربی بیشترین قراردادها بر مبنای معاملات ربوی منعقد می‌شود و هدف بانک‌ها فقط کسب سود بیشتر، بدون توجه به منافع مشتری و مصلحت جامعه است. لذا در اینگونه نظام‌های بانکداری جایی برای اصول اخلاقی متصور نیست؛ اما در نظام بانکداری اسلامی ربا ممنوع بوده و راه‌های منفعت‌طلبی یک‌طرفه بانک‌ها مسدود گردیده. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در صدد اثبات اخلاق محوری عقود بانکداری اسلامی است تا بدین وسیله تبیین نماید که اصطلاح بانکداری اخلاقی مرادف با اصطلاح بانکداری اسلامی است. لذا مسئله اصلی مقاله این است؛ آیا عقود بانکداری اسلامی بر مبنای اصول اخلاقی استوار گردیده‌اند؟ در این تحقیق، نهایتاً به این نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی بانکداری اسلامی ترویج معاملات بدون ربا و حذف عقود ربوی است چراکه ربا به عنوان یکی از گناهان کبیره، مذموم شناخته شده و از حیث اینکه موجب ظلم بر مستضعفین و مانع ترویج احسان و کمک به هم‌نوع است، مغایر با اصول اخلاقی است؛ اما معاملات بدون ربا با هدف کمک به مستضعفین و ترویج فرهنگ قرض الحسنه سعی بر نهادینه کردن محاسن اخلاقی دارد و با اتکا به مبانی اخلاقی همچون همدلی و مشارکت، عقود مشارکتی را جایگزین ربا نموده تا بدین وسیله زمینه مناسبی جهت اشتغال‌زایی و کارآفرینی به وجود آورد و نهایتاً ریشه فقر و بیکاری را - که بستر فساد اخلاقی هستند - بزند.

بیان مسأله

اقتصاد و اخلاق، در معنا بخشیدن به زندگی مادی و معنوی بشر و نیل او به مدارج عالی کمالِ روحی، نقش تعیین کننده‌ای دارند و می‌توان گفت، در این جهت مکمل یکدیگرند. از سویی زندگی فردی و اجتماعی انسانها، بدون اقتصادی شکوفا و رشد یافته، بسی تلخ، دشوار و قرین نکبت و بدبختی است.

اقتصاد بیمار، همواره زمینه ساز نابودی ارزش‌های اخلاقی و استیلاي سایه سیاه فساد، فحشا، جرم و جنایت بر زندگی بشر است. چه بسا انسانهایی که وامانده گرده نانی بخور و نمیر هستند، نتوانند به تعالی معنوی بیندیشند و از آرمانهای انسانی و فضایل و مکارم اخلاقی، تصور و ترسیم روشن و شایسته‌ای داشته باشند. از همین رو است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تهیدستی را سخت‌تر از قتل، و امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام، مردن وزیر خاک رفتن را بهتر از ناداری دانسته‌اند.

امروزه بانک‌ها نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارند. این نقش به حدی است که تصور اقتصاد بدون بانک در روزگار ما مشکل است. از وظیفه‌های مهم بانک‌ها تسهیل گردش پول و تجهیز و تخصیص منابع پولی است. اگر بانک‌ها این وظیفه‌ها را به‌خوبی انجام دهند، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه کشورها داشته باشند.

در سیستم اقتصادی غرب نیز بانک از اهمیت بالایی برخوردار است و نظام بانک داری متأثر از ایده‌ای اقتصادی است که از اخلاق فاصله دارد. در واقع غربی‌ها اخلاق و اقتصاد را دو مقوله جمع ناشدنی می‌دانند که مقابل هم هستند به عبارتی این‌ها حداکثر سازی سود و مطلوبیت را وارد تحلیل‌های اقتصادی کردند که امروزه در کتب رایج اقتصاد غرب اساس بیشتر تحلیل‌ها را تشکیل می‌دهد و اسم این تفکیک اخلاق از اقتصاد را «علمی سازی علم اقتصاد» گذارده و می‌گویند ارزش‌گذاری‌های اخلاقی هرچه هم مهم باشند نباید در تحلیل‌های اقتصادی نقشی داشته باشد. آنها همانند فیزیوکراتها بر آن‌اند که جامعه انسانی جزئی از طبیعت به شمار می‌آید، لذا تابع قوانین حاکم بر طبیعت می‌باشد (تفضلی، ۱۳۸۵: ۷۰). نوکلاسیک‌ها علم اقتصاد را بر اساس این اصل که «انسان در جستجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است» پایه‌گذاری کردند (قدیری اصلی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). این تفکر امروزه نیز روح حاکم بر نظام سرمایه‌داری است.

حقیقت این است که ریشه اصلی این‌گونه نظریات تغییر نوع نگرش عمده صاحب‌نظران مورد اشاره به انسان بوده و هست. آنها با جدا نمودن انسان از خدا و دین اصالت را به انسان و خواسته‌های او آن‌هم خواسته‌های صرفاً مادی دادند (اومانیسیم) و مسئله مهم سعادت ابدی وی را نادیده گرفتند. تئوری پردازان یاد شده کاری به سعادت ابدی انسان ندارند و لذا اصلاً متعرض آن نمی‌شوند. فایده‌گرایان سعادت را با لذت و امیال نفسانی مرادف می‌دانند. آنها سعادت اجتماعی را نیز به بیشترین لذت برای بیشترین افراد تفسیر می‌کنند (کاپلستون، ۱۳۸۸:

۲۴ / ۸)

لذا نظام بانکی در غرب بر قرض همراه با بهره (ربا) مبتنی است. در ایران نیز پیش از انقلاب نظام بانکداری ربوی در جریان بود. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی لزوم استقرار نظام بانکداری بدون ربا به صورت یکی از ضرورت های اساسی کشور مطرح شد (میرمعزی، ۱۳۸۶: ۶۲). صنعت بانکداری یکی از مهمترین بخش های هر اقتصادی محسوب می شود؛ زیرا بانک ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی شمرده می شوند. بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل این بانک ها هستند که عهده دار تأمین مالی بلندمدت نیز می باشند؛ همچنین در فرآیند آزادسازی بازارهای مالی و پیوند با بازارهای جهانی، کارایی، شرط لازم است (حسینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۲۹). فعالیت بانکداری اسلامی در ایران بسیار جوان بوده و شروع آن به سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ شمسی) که انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست برمی گردد. (مشرف جوادی و قوچی فرد، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

از منظر اخلاق نهادهای مالی به واسطه انطباقشان بر شریعت، عموماً اخلاق قلمداد می شوند. این نهادهای به دنبال ارتقای عدالت و رفاه در جامعه هستند. (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۳) لذا مسئله اصلی این تحقیق اثبات جایگاه اخلاق در عقود بانکداری اسلامی است. اهمیت و ضرورت در این است که با اثبات جایگاه اخلاق در بانکداری اسلامی می توان بر اخلاقی شدن بانکداری در کشورهای اسلامی اهتمام جوست و در صورت فقد مبانی فقهی و حقوقی به اخلاق استناد کرد و قوانین حاکم بر نظام بانکداری را به سمت بانکداری اخلاقی سوق داد.

هدف از انجام این تحقیق شناخت مبانی اخلاقی در عقود بانکداری اسلامی است و تأثیر اخلاق بر تحقق آرمان های بانکداری اسلامی است.

لذا در این مقاله ضمن آشنایی با عقود بانکداری اسلامی از مبانی اخلاقی این عقود نیز بحث می شود و همچنین با فلسفه اخلاقی حرمت ربا در بانکداری اسلامی و تأثیر سوء ربا بر اخلاق نیز آشنا می شود.

۱. تعریف اخلاق

واژه اخلاق از خُلُق به معنای خوی و سرشت است؛ چنان که در مصباح المنیر آمده است: «الْخُلُقُ بِضَمِّينِ السَّجِيه» (فیومی ۱۳۶۶، ص ۸۸) خُلُق (با دو ضمه) به معنی سرشت است و علمای اخلاق نیز تعریفی که در اصطلاح برای خلق و اخلاق کرده اند، قریب به معنایی است که اهل لغت نموده اند. ابوعلی مسکویه در این باره می گوید: «خلق حالی است برای جان انسانی که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی برمی انگیزد.» (ابن مسکویه ۱۳۷۵ ق:

(۵۱)

از بحث لغوی که بگذریم، اخلاق را علم دانسته‌اند. مرحوم نراقی در تعریف «علم اخلاق» می‌گوید: علم اخلاق دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک‌کننده می‌باشد. (نراقی ۱۳۶۳: ج ۱/۳۵-۳۴)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در تعریف اخلاق می‌فرماید:

فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست، به این غرض بحث می‌کند که فضائل آنها را از رذایلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسائی آنها خود را با فضائل بیاراید و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند. (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱/۵۵۸)

۲. بانکداری اسلامی (بانکداری بدون ربا)

بانکداری یا فعالیت بانکی است که براساس احکام شرع مقدس اسلام اجرا می‌شود. شارع مقدس اسلام، اجازه نمی‌دهد که برای دریافت وام، بهره‌ای دریافت شود. همچنین براساس احکام شرع مقدس اسلام، معاملاتی که فراهم‌کننده سود یا خدمتی باشد ولی با قوانین اسلام مغایرت داشته باشد نیز ممنوع است. بانک داری بر مبنای احکام اسلام می‌تواند حالات گوناگونی داشته باشد. فتوای مراجع تقلید نقش بزرگی در نظام بانکداری اسلامی ایفا می‌کند. در واقع عنصر بانکداری اسلامی همان بانکداری بدون ربا است. هدف در نظام بانکداری اسلامی عبارت‌اند از: کنترل عرضه پول و کنترل نرخ بهره یا قیمت اوراق بهادار، اما در بانکداری اسلامی نرخ سود مورد انتظار یا نرخ بازده، (دارندگان وجوه در یک نظام اسلامی، پول خود را مستقیماً یا با واسطه در امر سرمایه‌گذاری و معاملات شرعی به جریان می‌اندازند و نسبت سودی را که آنان پیش‌بینی می‌کنند به کل مبلغی که به جریان انداخته‌اند، در یک دوره معین، نرخ بازده یا نرخ سود مورد انتظار می‌نامیم) جایگزین نرخ بهره می‌گردد که این نرخ بر خلاف نرخ بهره، تضمین شده نیست. لذا در نظام بانکداری اسلامی اخذ مبلغ اضافی از وام‌گیرنده ربا و حرام است، مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا وضع نمود. (فنائی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶)

بنابراین رکن اصلی بانکداری اسلامی را معاملات بدون ربا تشکیل می‌دهد.

۳. ربا در لغت

واژه‌ی ربا در زبان فارسی، به معنای پیشی، افزون شدن، نشو و نما کردن، سود یا دینی که داین از مدیون می‌ستاند و نسیه خریدن و فزون گرفتن آمده است. (معین، ۱۳۷۷: ۲/۱۶۳۴؛ دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۶/۲۳۶ و ۴۵/۴۵۶).

ربا در لسان العرب، این‌گونه تعریف شده: «و الأصل فيه الزيادة، من ربا المال إذا زاد أو ارتفع»؛ یعنی، معنای ربا در اصل، همانا زیادی است، وقتی گفته می‌شود: «ربا المال»، یعنی مال زیاد شد و رشد کرد. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴/۳۰۵)

۳-۱. ربا در اصطلاح

معنای لغوی ربا، مساوی با معنای اصطلاحی آن نیست؛ زیرا در لغت ربا به مطلق زیادی اطلاق می‌شود، در حالی که به هر زیادی در معاملات و مبادلات ربا گفته نمی‌شود و هر اضافه‌ای حرام نیست؛ چه بسا فزون شدن مال در اثر تجارت، نه تنها از آن نهی نشده، بلکه مورد تشویق شارع مقدس نیز قرار گرفته است. در مفردات راغب آمده: «الرَّبَا الزِّيَادَةُ عَلَى رَأْسِ مَالٍ لَكِنْ خُصَّ فِي الشَّرْعِ بِالزِّيَادَةِ عَلَى وَجْهِ دُونَ وَجْهِ»؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۸۹) یعنی: ربا در اصل زیادی بر اصل مال است؛ ولی از نظر شرع به زیادی ویژه‌ای اطلاق می‌شود.

برای تعیین حدّ ربا از نظر اصطلاحی و شرعی، اختلاف‌های فراوانی بین مذاهب گوناگون اسلامی و حتی بین عالمان هر مذهبی وجود دارد؛ هر یک حدّی را برای ربا که از ادلّه‌ی شرعی موردنظرش گرفته شده بیان کرده است. ریشه‌ی اصلی اختلاف‌ها از منابع استنباط و روش استنباط از منابع نشأت می‌گیرد. ما در اینجا، به چند مورد از آنها اشاره خواهیم کرد:

ربا در کنز العرفان، چنین تعریف شده: «الرَّبَا لَغَةً هُوَ الزِّيَادَةُ وَ شَرْعاً هُوَ الزِّيَادَةُ عَلَى رَأْسِ الْمَالِ مِنْ أَحَدِ الْمَتَسَاوِينَ جِنْساً مِمَّا يَكَالُ أَوْ يوزن؛ معنای لغوی ربا، زیادی است و در شرع به آن زیادی ربا گفته می‌شود که در کالاهای همجنس مکیل و موزون را به تفاضل مبادله می‌کنند.» (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۹۰).

صاحب جواهر معتقد است ربای حرام در دو مورد تحقق می‌یابد:

۱. مبادله دو جنس مشابه با زیادی یکی از آن‌ها به شرط مکیل و موزون بودن.

۲. قرض دادن یکی به دیگری با شرط بازپرداخت اضافی. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ۳۳؛ شهید ثانی، ۱۴۲۵:

۳/۳۱۶).

۳-۲. ادله‌ی حرمت ربا

۳-۲-۱. ربا در قرآن

- الف. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»؛ خدا ربا را تباه و صدقات را افزون می‌کند و او هیچ کفران پیشه گناهکاری را دوست نمی‌دارد." (بقره: ۲۷۶).
- ب. «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْتَوْا عِنْدَ اللَّهِ»؛ و آنچه (به عنوان) ربا داده‌اید تا در اموال مردم فزونی یابد، (بدانید که) نزد خدا زیاد نمی‌شود (و برکتی ندارد) (روم: ۳۹)
- ج. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر مؤمنید از خدا بترسید و باقی مانده ربا را واگذارید. (بقره: ۲۷۸)

۳-۲-۲. ربا در روایات

روایات زیادی در کتاب‌های معتبر شیعه و سنی درباره‌ی حرمت ربا آمده است. در اینجا به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم.

الف. پیامبر (ص): «شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا»؛ رسول خدا فرمود: بدترین کسب‌ها، رباخواری است. (حرر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۱۲۲).

ب. پیامبر (ص): «مَنْ أَخَذَ الرِّبَا وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ». هر کس ربا بگیرد کشتنش واجب است. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۳۳۴)

ج. امام علی (ع): «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَرْيَةٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا»؛ زمانی که خداوند بخواهد مردمی را نابود کند، ربا را در میانشان رواج می‌یابد. (بروجردی، ۱۴۲۹: ۲۳/۴۳۴).

۳-۲-۳. ربا از دیدگاه اجماع

فقها اجماع را از جمله ادله حرمت ربا دانسته‌اند؛ شیخ طوسی می‌گوید: علما اجماع دارند، بر اینکه ربا از گناهان کبیره است. (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۵۸۹). شهید ثانی در کتاب دروس علاوه بر نص، دلیل حرمت ربا را از اجماع می‌داند. در تحریر الوسیله امام خمینی (ره)، آمده است: «حرمت ربا به کتاب، سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است؛ بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد».

صاحب جواهر الکلام و محقق اردبیلی، اجماع را از دلایل حرمت ربا در اسلام می‌شناسند. (موسائی، ۱۳۷۷:

ص ۱۹)

البته در اثبات حرمت ربا، اجماع نمی‌تواند، دلیل مستقلی باشد؛ زیرا که اجماع دلیل مدرکی است؛ یعنی از قرآن و سنت دلیل بر حرمت ربا داریم؛ در حالی که اجماعی به صورت دلیل مستقل بر حکمی معتبر است که دلیلی از قرآن و سنت، بر آن موجود نباشد.

۳-۲-۴. ربا از دیدگاه عقل

اگر فعل و رفتاری از نظر عقل ناپسند باشد، شرع به حرمت آن حکم می‌کند. تمام افعال ستمگرانه به طور قطع از نظر عقل ناپسند است؛ پس هر فعلی که ستم به شمار آید، شرع آن را حرام می‌داند. طبق آیه‌ی «وَإِنْ تُبْتِمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)؛ رباخواری از مصادیق ظلم و از نظر عقل، ناپسند است؛ در نتیجه از نظر شرع، حرام شمرده می‌شود؛ البته عقل فی الجمله بر حرمت ربا دلالت دارد و همه‌ی انواع ربایی که روایات بر حرمت آنها دلالت دارند، عقل ممکن است چنین دلالتی نداشته باشد. (یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

۳-۳. فلسفه اخلاقی حرمت ربا

در قرآن و روایات از عواملی به صورت مستقیم یا غر مستقیم به عنوان علت حرمت ربا یاد شده است که به اختصار به بیان آنها می‌پردازیم:

۳-۳-۱. مبارزه با ظلم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتِمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره: ۲۷۸/۲۷۹) و در روایتی از امام رضا (ع) علت حرمت ربا را ظالمانه بودن آن دانسته شده است: «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا ... وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَالظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ ...»؛ از ایشان درباره علت حرمت ربا سوال می‌شود می‌فرماید: ربا اموال را به تباهی می‌کشانند. رباخواری ظلم است و موجب فناء اموال می‌گردد. (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۵۶۶).

بنابراین یکی از ادله حرمت ربا ظلم و ستم بر اقشار ضعیف و کم درآمد است که چاره‌ای جز گرفتن ربا ندارند. از رفی ظلم از عوامل بازدارنده رشد اخلاقی است و از آفات رشد و کمال معنوی انسان شناخته شده. چنانکه علمای اخلاق بیان نموده‌اند:

ظلم بزرگ‌ترین مانع معرفت و خطرناک‌ترین آفت سیر و سلوک است. هیچ آفتی برای خداشناسی و سیر و سلوک به سوی کمال مطلق، خطرناک‌تر از ظلم نیست. (محمدی ری شهری و مسعودی ۱۳۸۸: ۵۲).

یکی از شیعیان و زشت‌ترین گناهان ظلم است، بلکه با کمی دقت و تحلیل عقلی باید گفت زشتی و شناعة گناهان دیگر هم به مقدار ظلمی است که در آنها است و معنای ظلم عبارت است از خروج از عدالت و حدّ وسط. (ر.ک: علامه طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۱/۱۲۳).

از طرفی نیز این ربا است که منجر بر سلطه فردی بر دیگری می‌شود و رباخوار را بر مدیون حاکم قرار می‌دهد و ترس را عاملی مناسب جهت تأدیه دین قرار می‌دهد. در واقع چنین نگرشی با مبانی اخلاقی غرب مناسبت دارد و هیچ تناسبی با مبانی اخلاق اسلامی ندارد. چنانکه راسل معتقد است:

اخلاق فقط در جایی می‌تواند اخلاق باشد که انسان نگران عکس العمل سوء دیگران بر ضد منافع خودش باشد یعنی بنابراین نظریه، یک آدم ضعیف اگر هوشیار باشد، عمل ضد اخلاقی انجام نمی‌دهد چون می‌بیند دیگران می‌آیند چند برابر، منافع او را پایمال می‌کنند یک آدمی هم که نیروی دیگران را مساوی با نیروی خودش می‌بیند عمل ضد اخلاقی انجام نمی‌دهد چون می‌بیند همان اندازه که او می‌تواند از دیگران ببرد، دیگران می‌توانند از او ببرند. بعد به جناب راسل می‌گوییم: اخلاق در درجه اول آن است که بتواند اقویا را کنترل بکند؛ بنابراین نظریه، ظلم اقویا ضد اخلاقی نیست و آنچه نیکسون در ویتنام یا خاورمیانه انجام می‌دهد ضد اخلاق نیست، چون همه حسابهایش را کرده، می‌داند که زورش خیلی زیاد است و هر چه بخواهد ببرد و بدزدد، نیرویی که بتواند منافع او را پایمال بکند وجود ندارد وقتی که اخلاق عبارت شد از منفعت‌جویی هوشیارانه، این منفعت‌جویی هوشیارانه، برای ضعیف و برای کسی که نیرویش با دیگران متساوی است یک جور است، ولی برای قوی جور دیگری است قوی اگر مطمئن شد که ضعیف نمی‌تواند عکس‌العملی علیه او انجام بدهد، هر ظلمی که بکند، عملش اخلاقی است و ضد اخلاقی نیست، چون یک منفعت‌جویی هوشیارانه و حساب شده است، از نظر جناب راسل کار ضد اخلاقی انجام نداده (مطهری ۱۳۷۲: ۲۲۱).

۳-۳-۲. ترویج کارهای نیک

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَا - لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۸/۱۸) خداوند ربا را به این علت حرام کرده است که مردم از کارهای خیرخواهانه امتناع نورزند.

همه فضایل اخلاقی معروف شمرده می‌شود، ولی دو فضیلت اخلاقی است که این حدیث بیشتر به آن عنایت دارد و آن مواسات و بشردوستی است که قرض الحسنه، این دو فضیلت را تقویت می‌کند؛ اما رباخواری به آن دو، ضربه می‌زند. قرض الحسنه موجب محبت، حسن تفاهم، نشر عطف و الفت بین قلبهاست و روح اتحاد، برادری و تعاون را در جامعه تقویت می‌کند، اما ربا موجب کینه، دشمنی، اختلاف و سنگدلی است (الهی نیا و مقدس نیان، ۱۳۸۸: ۴۲ / ۲)

۳-۳-۳. جلوگیری از فقر و رکود

رکود به وضعیتی گفته می‌شود که تقاضا و فعالیت‌های اقتصادی به شدت کاهش یابد، عده‌ی قابل توجهی از نیروی کار جامعه بیکار شوند، تولید تنزل پیدا کند، سرمایه‌گذاری متوقف شود، معادلات و مبادلات کم شود، بنگاه‌ها ضعیف و کم تجربه ورشکست شوند و قدرت خرید مردم در سطح قابل توجهی کاهش یابد. (نوری کرمانی، ۱۳۸۸/۱۰۸)

هشام از امام صادق (ع) درباره علت حرمت ربا سؤال کرد، امام (ع) فرمود: «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا - لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ - فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِتَنْفِرَ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ - وَإِلَى التَّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَالشَّرَاءِ»؛ (حرر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۱۲۰) خداوند ربا را به این علت حرام کرد که مردم به کارهای تجاری و مفید روی آوردند و اگر ربا حلال می بود مردم فعالیت های مفید و اقتصادی را ترک می کردند.

تأثیر فقر بر اخلاق به طور قطع، تنگدستی پیامدهای ناگواری دارد که بر اخلاق فردی و اجتماعی نیز اثر می گذارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ» (قمی، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۷۸) سختی و تنگدستی، اخلاق را فاسد می کند.

در نتیجه؛ چون فرهنگ ربا و رباخواری منجر به رکود اقتصادی و فقر می گردد و فقر نیز از عناصر مخرب اخلاق در مبانی شرعی معرفی گردیده لذا می توان گفت ربا از حیث اخلاقی بسیار مذموم و ناپسند بوده است.

۳-۳-۴. کاهش فاصله طبقاتی

فما جاع فقیر الا بما منع غنی، والله تعالی جده سائلهم عن ذلك (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰).

یعنی هیچ فقیری گرسنه و محتاج نمی شود، مگر به علت این که ثروتمندان از عمل به وظایف خودداری می کنند و مانع استفاده آنها از مواهب خلقت و نعمتهای خداوند می شوند؛ و خداوند آنان را در این مورد تحت مؤاخذة و باز پرسی قرار خواهد داد.

«وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا»؛ هرگاه منطقه و جایی را بخواهیم نابود کنیم به سرمایه داران دستور می دهیم که در آنجا فسق کنند و تبهکاری و بی عدالتی را گسترش دهند. (اسراء: ۱۶)

جهان سرمایه داری در پناه استثمار و قراردادهای سود و ربا و اصول بانکداری، زالوصفت خون جوامع انسانی را از طرق مختلف می مکد و کمترین ترحمی نیز نسبت به آنان روا نمی دارد. بانک های چند ملیتی، ثروت جهان را در انحصار خود گرفته، ذخایر گرانبهای کشورهای مستضعف و جهان سوم را به کمترین قیمت خریداری کرده و تولیدات خود را به قیمت های گزاف به آنان می فروشند و روز به روز فاصله فاحش طبقاتی بین خود و آنان را افزایش می دهند (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰: ۵۴)

جوامع مادی و مکتب های ماده گرا، ثروت را معیار ارزش و بزرگی می دانند و تهیدستان را تحقیر می کنند و نه تنها آنها را از ثروت خویش بهره مند نمی سازند، بلکه حاضر نیستند که با آنان رفت و آمد داشته باشند و یا لحظه ای کنارشان بنشینند. چنین فرهنگی از خوی زشت تکبر و فخر فروشی منشأ می گیرد و سبب فاصله عمیق طبقاتی در جوامع بشری می شود و این فاصله تا آنجا عمیق شده که علاوه بر شکاف ظاهری، رفتار، فرهنگ و حتی طرز تفکر دارا و درویش هم باهم تفاوت پیدا می کند. دین کامل اسلام، در برنامه های اصولی خود، طرح براندازی فاصله منحوس طبقاتی را به گونه ای جامع گنجانده و با اجرای دقیق آن در دهه نخست هجرت، به این

تجربه موفق دست یافته است، چنانکه دومین رهبر معصوم نیز آن را سرلوحه برنامه اقتصادی حکومت خویش قرار داده بود.

باور ما نیز همین است که اگر آنچه را اسلام پیرامون توزیع ثروت ارائه داده به کار بسته شود، به طور قطع جواب مثبت خواهد داد؛ برای رسیدن به چنین آرمان والایی، کاری سترگ و فراگیر و مجالی بس گسترده نیاز است که بخشی از آن را هم «علم اخلاق» بر عهده دارد. (الهی نیا و مقدس نیان، ۱۳۸۸: ۷۷ / ۲)

بنابراین باید گفت: ربا دستاوردی جز فاصله طبقاتی ندارد و فاصله طبقاتی مقدمه‌ای برای دوری از محاسن اخلاقی است چراکه فاصله طبقاتی، فخر فروشی و تکبر را به دنبال دارد.

۴. همدلی و مشارکت

واژه compassion و Mitleid در نوشته‌های اخلاقی شوپنهاور به معنی «همدلی»، «دلسوزی»، «رحم»، «شفقت» و «غمخواری» ترجمه شده است. این اصطلاح در قرن بیستم توسط فیلسوفانی مثل هوسرل، شلر، اشتاین و دیگران به کار رفته است؛ اما بهترین تعبیر همان «همدلی» است. او همدلی را یگانه انگیزه حقیقی اخلاق و حتی پایه اخلاق می‌داند. هرچند در اخلاق شوپنهاور مفاهیم اخلاقی دیگری نیز وجود دارد ولی مرکزی‌ترین مفهوم، «همدلی» است. شوپنهاور در کتاب پایه اخلاق این مفهوم را «راز بزرگ اخلاق» دانسته است. او تحلیل‌های متعددی از این مفهوم در کتاب‌های پایه اخلاق و دو مسأله بنیادی اخلاق و نیز در کتاب جهان‌همچون اراده و تصور ارائه داده است. کارترایت یکی از مفسران اندیشه شوپنهاور می‌گوید که عمق فهم شوپنهاور از ماهیت و اهمیت اخلاقی این احساس {همدلی} در تاریخ فلسفه غرب بی‌نظیر است. (شوپنهاور، ۱۳۹۰: ۵۵)

بر مبنای تئوری اخلاقی همدلی؛ مشارکت افراد جامعه موجب تشکیل مؤلفه‌های بنیادین روابط و وابستگی‌های انسانی و اعتبار عاطفی می‌گردد. لذا اخلاق همدلی مسئله روابط پایدار را به وسیله ترویج خوب بودن و یاری رساندن در شبکه روابط اجتماعی را بررسی می‌کند. این نگرش اخلاقی بر انگیزه همدلی با آنانی که وابسته و آسیب‌پذیر هستند، بنا شده است و الهام گرفته از یادآوری دو اصل همدل بودن و آرمان پردازی برای خود است. طبق احساس‌گرایی سنتی نظریه اخلاقی، اخلاق همدلی اهمیت انگیزه همدلی و رابطه جسم و روان را با استدلال و استنتاج از اصول اخلاقی بیان می‌کند و نهایتاً اخلاق همدلی موجب می‌شود به وظیفه خود نسبت به افرادی که نمی‌شناسیم عمل کرده بدون اینکه نیاز باشد به اخلاق عدالت محور تغییری ایجاد شود (کانت، ۱۳۸۰: ص. ۶۵).

بدون تردید اگر روحیه تعاون نبود، پیشرفت حیرت‌انگیز انسان در میدان‌های مختلف زندگی به این حد نمی‌رسید و آدمی زادگان هنوز هم گام‌های نخستین زندگی را می‌پیمودند، ابزار و وسایل اولیه جای خود را به تکنولوژی بسیار پیشرفته امروز نداده و شهرهای عظیم و متمدن امروزی پدیدار نشده بود همان‌طور که نگهداری و ادامه میراث عظیم جامعه بشری نیز بدون تعاون، امکان‌پذیر نیست.

ضرورت تعاون از اصول اخلاق اجتماعی بلکه از اصول زندگی اجتماعی است و هیچ کس در هیچ شرایطی از آن بی نیاز نیست.

امام علی (ع) می فرماید: «مؤمنان باید در کار نیک همکاری نمایند. درست است که هیچ کس نمی تواند حق اطاعت خداوندی را چنان که باید بجا آورد؛ اما باید به قدر توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و برپا داشتن حق و یاری دادن به یکدیگر است.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

سیره معصومین (ع) بر این بود که در امور اجتماعی مشارکت فعالی را از خود نشان می دادند. ایشان علاوه بر مدیریت در اموری مانند کشاورزی و داد و ستد، دامداری و غیره، مردم را در کارهای گروهی نیز یاری می دادند. (مجلسی، ۴۶/ص. ۶۹).

در نتیجه؛ بانک و مشتریان باهمکاری و مشارکت می توانند باهم متحد شده و اقدام به تولید نمایند و نیاز جامعه اسلامی را رفع کنند چرا که رفع نیاز جامعه اسلامی یکی از واجبات کفایی به شمار می آید؛ بنابراین هر مؤمنی که دارای سرمایه کمی است می تواند با مشارکت و اتحاد سرمایه با دیگر برادران دینی خود اقدام به تولید کرده و در رفع نیاز جامعه اسلامی به اندازه توان خود مؤثر واقع شود.

۴-۱. آشنایی با تعدادی از عقود مشارکتی در بانکداری اسلامی

عمده قراردادهای بانکی را همین عقود مشارکتی تشکیل می دهند که عبارت اند از:

الف - مشارکت مدنی: قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می آمیزند.

ب - مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود را خریداری می کند و از این طریق در سود آن ها شریک می شود.

ج - مضاربه: قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می کند و طرف دیگر با آن به تجارت می پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می شود.

د - مزارعه: این قرارداد، بانک زمین مشخصی را برای مدت معین در اختیار طرف دیگر قرار می دهد تا در آن کشاورزی کند. در نهایت سود حاصل بین طرفین تقسیم می شود.

ه - مساقات: قراردادی است میان صاحب باغ و دیگری که به ازای دریافت مقداری از محصول، کار نگهداری از باغ و برداشت را انجام می دهد.

همانطور که از مفاد این قراردادها به دست می آید مبنا و صورت اصلی این عقود شراکت و همکاری بانک و مشتریان است.

۴-۲. تأثیر مشارکت بر قوام جامع و اقتصاد

مشارکت در کار و سرمایه موجب می‌شود که سطح درآمد افراد جامعه نزدیک به هم بود و فاصله طبقاتی کاهش یابد و موجب قوام اقتصادی جامعه گردد. موضع قوام در اقتصاد و وضع بایسته‌ی آن در هر یک از حوزه‌های آن اعم از «مصرف»، «تولید» و «مبادله» قابل‌تعریف است. قوام در عرف به معنای رعایت «قصد» و حد وسط است، عدالت اقتصادی به این معنی قاعده‌های نتیجه‌محور است در دیدگاه اسلامی از متوازن کردن سطح زندگی و معیشت و بی‌نیاز کردن فقرا حمایت شده است. منظور از توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه از حیث سطح و نه از جهت درآمد بوده و مقصود از سطح معیشت این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار شوند و به عبارت دیگر، سطح زندگی واحدی برای تمام اعضاء جامعه تأمین شود. البته در داخل سطح مزبور، درجات مختلفی به چشم خواهد خورد، ولی این تفاوت برخلاف اختلافات شدید طبقاتی در رژیم سرمایه‌داری تفاوت درجه است، نه تفاوت اصولی در سطح. همچنین باید گفت، توازن جمعی منحصر به زمان محدود و لحظه‌ی معین نیست، بلکه هدفی است مهم و اساسی که دولت باید برای نیل به آن از راه‌های مختلف قانونی، اقدام کند. شاید دلیل تحریم اسراف همین باشد، زیرا با این کار از یک سو از مصارف زائد طبقه‌ی مرفه جلوگیری شده و از سوی دیگر، سطح زندگی طبقه‌ی پایین‌تر ترقی و سرانجام سطوح مختلف را به یکدیگر نزدیک کرده و از شکاف طبقاتی می‌کاهد تا آنجا که بالاخره عموم مردم را در سطحی واحد، ولی در حالت متفاوت که البته دور از تناقضات شدید رژیم سرمایه‌داری باشد قرار داده است این نظریه به نصوصی چند مستند است. (صدر، ۱۳۴۹: ۳۳/۲) پس اقتصاد زمانی مقوم جامعه خواهد بود که به دور از افراط و تفریط و مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی باشد. این بدان معنا خواهد بود که فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالا و خدمات (پی. ا. جی لیارد، ۱۳۸۸ / ۹) می‌بایست در این چارچوب انجام گیرد؛ وگرنه اقتصادی واقعی و اسلامی تحقق نخواهد یافت.

در نتیجه؛ به واسطه مشارکت و اتحاد سرمایه مادی و انسانی مسلمین می‌توانند هرچه بهتر و بیشتر سرمایه‌های سرگردان و معلق را جمع نموده و به یک منبع مالی غنی تبدیل نمود و همچنین بتوان نیروی انسانی را به بهترین شکل ممکن مدیریت نمود و از هدر رفت آنها جلوگیری نموده و برنامه‌های جامعه و کارآمدی در خصوص آموزش نیروی انسانی و خدمات تأمین اجتماعی و درمانی، ارائه نمود.

۵. کارآفرین

در نظام بانکداری اسلامی عقود مقرر گردیده که مؤدای آنها کارآفرینی و اشتغال زایی است مانند معاملات سلف که در آن بانک محصولات تولیدی آینده بنگاه‌ها را پیش خرید می‌کند و همچنین عقد جعاله که در آن طبق قرارداد، کارفرما تعهد می‌کند که در قبال عمل مشخص کارگزار یا عامل، اجرت معینی به او بپردازد. اخلاقیات با ارزشها در ارتباط می‌باشند. کارآفرینی ارزش ایجاد می‌کند. ارزشها و ایجاد ارزش متقابلاً از راه‌های جالبی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. در اخلاق از ماهیت ارزش‌ها صحبت می‌شود ولی در کارآفرینی از ماهیت فرصت‌ها صحبت می‌شود (Harmeling & Sarasvathy, 2009, p 9).

شامتر می‌گوید که کارآفرینی به جلو برنده نیروی بازاری است و با بر هم زدن موازنه قدیمی و به وجود آوردن موازنه دیگر از طریق خلاقیت انقلابی را در ساختار اقتصادی کنونی به وجود می‌آورد (Harris, 2009, p 407). اسلام کار و فعالیت اقتصادی را دارای ارزش و عبادت دانسته (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۶۷) و بیکاری را به شدت نکوهش کرده است. هنگامی که حضرت رسول (ص) به کسی علاقمند می‌شد می‌پرسید آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند نه می‌فرمود: از چشمم افتاد (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۱۱). سستی در کار و در نقطه مقابل حرص هر دو مذمت شده است و میانه این دو توصیه گردیده است. کار علاوه بر کسب درآمد سبب عزت، رشد عقلانی و سلامت جسمی و نشاط روحی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۹: ۸۷/۳).

سیره معصومین نیز این بوده که کار آفرینی را به صدقه دادن ترجیح می‌دادند برای نمونه به روایت زیر استناد می‌کنیم:

به پیامبر عرض شد که یکی از تجار شهر همه دارای خود را از دست داده و تکدی‌گری می‌کند. پیامبر فرمود: او را نزدم بیاورید! بعضی رفتند و او را آوردند، فرمود: آنچه در خانه‌داری به اینجا بیاور و آن را کوچک بشمار. او به خانه خود رفت و یک پلاس و یک کاسه برداشت و به حضور پیامبر (ص) آورد و حضرت آنرا برای فروش به مزایده گذاشت.

عاقبت شخصی به دو درهم خرید، پیامبر آنها را به آن شخص فروختند و آن دو درهم را به آن مسلمانان داد و فرمود تا یک درهم غذای برای خانواده ات خریداری کن و با درهم دیگر یک عدد تیشه خریداری کند. او به دستور پیامبر تیشه خرید و آورد و بعد حضرت فرمود: به بیابان برو و با این تیشه هیزمها را جمع کن و هیچ خار تر و خشکی را در بیابان، کوچک بشمار همه را جمع کن و بفروش. او رفت و با همان دستور کار کرد و بعد از پانزده روز در حالی که وضع مالیش خوب شده بود، به نزد پیامبر آمد.

پیامبر فرمود: کار کردن و مزد کار گرفتن برای تو بهتر است از (صدقه گیری) اینکه در روز قیامت به محشر وارد شوی و نشانه زشت صدقه در چهره ات باشد (همان، ۱۰۳/۱۰).

در نتیجه، کار آفرینی و اشتغال زایی توسط عقود بانکی بدون ربا می‌تواند زمینه فساد اخلاقی را که ناشی از فقر و بیکاری است از بین ببرد و بستری مناسب جهت رشد و کمال جامعه در ابعاد گوناگون اخلاقی فراهم آورد.

۶. وام و قرض الحسنه

پاداش قرض دادن به حدی است که در روایتی پاداش آن بیش از صدقه دانسته شده است: پیامبر (ص) در بیان ارزش‌گذاری اعمال مومنان، قرض را با ارزش‌تر می‌داند و می‌فرماید: **الْصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَصَلَةُ الْإِخْوَانِ بِعَشْرِينَ وَصَلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ**؛ صدقه دادن، ده حسنه؛ قرض دادن، هجده حسنه؛ رابطه با برادران دینی، بیست حسنه؛ و صله رحم، بیست و چهار حسنه دارد. (کلینی، ۱۳۷۷: ۴/۱۰، ح ۳) امام صادق (ع) نیز قرض دادن را بهتر از صدقه دادن می‌داند و می‌فرماید: **لَا نَأْقِرُ قَرْضًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَصِلَ بِمِثْلِهِ**؛ مالی را قرض بدهم، بیشتر دوست دارم تا آن را ببخشم. (مجلسی، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۱۳۹)

از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) گزارش شده است که ایشان از جبرئیل درباره حکمت بیش‌تر بودن پاداش قرض از صدقه این‌گونه سوال می‌کنند: حکمت این موضوع چیست! در صورتی که هر کس صدقه می‌دهد در نظر ندارد آن را پس بگیرد، ولی کسی که قرض الحسنه می‌دهد در نظر دارد که آن را پس بگیرد؟! جبرئیل پاسخ می‌دهد: آری! ولی هر کسی که صدقه می‌خواهد (قطعی نیست که) محتاج باشد.

اما آن کسی که قرض می‌خواهد یقیناً محتاج است؛ بنابراین: چه بسا صدقه‌ای که به مستحق واقعی نرسد. ولی کسی که قرض می‌گیرد حتماً احتیاج دارد. بدین لحاظ است که ثواب قرض دادن از صدقه دادن بیش‌تر می‌باشد. (کلینی، ۱۳۷۷: ۴/۳۳)

نتیجه‌گیری

- بانکداری اسلامی بخشی از مفهوم وسیع اقتصاد اسلامی است که نظام ارزشی و اخلاقی را با ساختار اقتصادی ترکیب می‌کند. به دلیل همین مفاهیم اخلاقی و ارزشی، بانکداری اسلامی چیزی فراتر از مفهوم ساده نحوه اداره بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌باشد. بر مبنای این اصول اخلاقی و اعتقادی، نظام بانکداری برای تأمین مالی از روش‌هایی استفاده می‌کند که با اصول اسلامی سازگار است و از عواملی که بر مبنای این اصول حرام است دوری می‌کند و در معاملات خود به سود و زیان هر دو گروه سهامداران بانک‌ها و مؤسسات مالی و مشتریان و ارباب رجوع توجه می‌کند.

- نقش اخلاق تا حدی در عقود بانکداری اسلامی محسوس است که می‌توان هنگام فقدان و یا تعارض ادله مشروعیت عقود بانکی یا هنگام ابداع عقود بانکی جدید به مبانی اخلاقی به عنوان یک منبع قانون‌گذاری استناد نمود و با اخلاق خلأهای قانونی را پوشش داد.

- علت تحریم ربا، ظلم ستیزی و گسترش فرهنگ احسان (قرض الحسنه) است که هردوی آنها از اصول اخلاقی مهم و تاثیرگذار به شمار می‌آیند چراکه ربا تبعات خاص خود را دارد که با اصول و مبانی اخلاقی کاملاً در تضاد است لذا بانکداری اسلامی نیز در راستای این اصول و مبانی اخلاقی از انعقاد عقود ربوی امتناع نموده و مبارزه با ربا را از اهداف اساسی خود معرفی نموده است.

- بانکداری اسلامی با ارائه عقود مشارکتی سعی بر مبارزه با ربا و ایجاد همدلی و مشارکت بین افراد جامعه دارد و چون مشارکت و همدلی تقویت کننده ارکان اخلاق است و مبانی اخلاقی را در جامعه بسط می‌دهد بانکداری اسلامی به واسطه عقود مانند قرض الحسنه در صدد ترویج عقاید اخلاقی و فرهنگ احسان و نیکی به هم‌نوع است.

- هدف بانکداری اسلامی ریشه‌کن شدن فقر و بیکاری است که زمینه‌ساز رشد مفسد اخلاقی است. لذا قراردادهای را منعقد می‌نماید که تاثیر مثبت بر اشتغال‌زایی و کارآفرینی دارد.

پیشنهادات

بهرتر است بانک در انعقاد قراردادهای مشارکتی صرفاً نقش واسطه را داشته باشد و اجازه دهد تولیدکننده یا سرمایه‌گذاری که تقاضای وام دارد مستقیماً با سپرده‌گذار (مشتری بانک) قرارداد ببندد و بانک فقط نظارت بر عملکرد آنها داشته باشد زیرا این رابطه مستقیم می‌تواند حس همدلی و برادری را بین افراد جامعه بیشتر بسط دهد.

بانک‌ها باید جهت ترغیب افراد جامعه نسبت به افتتاح حساب قرض الحسنه فرهنگ‌سازی نمایند و تدابیری جهت تشویق آنها بدین امر خدایسندانه بیندیشند.

بانک‌ها باید به مشتریان خود اطمینان خاطر دهند که قراردادهای منعقد در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا بوده و سرمایه آنها صرف آبادانی کشور و اموری عام المنفعه می‌شود تا مشتریان با طیب خاطر در بانک‌های اسلامی سرمایه‌گذاری کنند چراکه شک و شبهه از آفات رایج اخلاق بشمار می‌آیند.

منابع

قران کریم

- ابراهیمی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، *ربا و قرض در اسلام*. تهران: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن مسکویه - احمد بن محمد، (۱۳۷۵)، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. مترجم: نجفی افرا، مهدی، تهران: انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، (۱۴۰۵ق) *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزه.
- اصفهانی، راغب، (۱۳۹۲ق)، *مفردات*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الهی نیا، علی اصغر، مقدس نیان، سید محمد، وفا، جعفر، (۱۳۸۸)، *اخلاق اقتصادی*. اداره آموزش عقیدتی سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- بروجردی، آقا حسین طباطبائی، (۱۴۲۹ق)، *جامع احادیث شیعیه*. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- تفضلی، فریدون، (۱۳۸۵)، *تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: دانشگاه تهران.
- تقی نتاج غلامحسن، نجف پور کردی حمیدرضا، بحری ثالث جمال، (۱۳۹۱)، "هنجارهای یک نظام مالی اخلاقی و شرایط نیل به نظام مالی ایده آل در حوزه بانکداری. فصل نامه بانکداری اسلامی. شماره ۲۲.
- پی. ار. جی لیارد، (۱۳۸۸)، *تئوری اقتصاد خرد*، مترجم: عباس شاکری، تهران: نشر نی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه*، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی سید شمس‌الدین، سوری امیررضا، (۱۳۸۶)، "کارایی بانک های ایران و عوامل مؤثر بر آن". *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۲۵.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۰)، *جهان همچون اراده و تصور*. ترجمه رضا ولی یاری، تهران: نشر مرکز.
- شهید ثانی، (۱۴۲۵)، *مسالك الافهام الی تنقیح الشرایع الاسلام*. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدر (شهید) سیدمحمدباقر، (۱۳۴۹)، *اقتصاد ما*. تهران: برهان.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسین، (۱۴۰۴)، *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق و تصحیح: قصیر العاملی، احمد حبیب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فنائی، سیدمجتبی، ناصر ذاکری، محمود روزبهان و عادل پیغامی، (۱۳۹۱)، *اقتصاد*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۶۶)، *مصباح المنیر*، تهران: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).

- قدیری اصل، باقر، (۱۳۸۷)، *سیر اندیشه اقتصادی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قمی، عباس، (۱۳۶۶)، *سفينه البحار ومدینه الحکم والآثار*. قم: انتشارات اسلامی.
- کاپلستون، فردریک چارلز، (۱۳۸۸)، *تاریخ فلسفه*. مترجم: خرمشاهی، بهاء‌الدین تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰)، *درس های فلسفه اخلاق*. ترجمه دکتر منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۷)، *أصول کافی*. ترجمه هاشم رسولی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- مجلسی، علامه محمد باقر، (۱۴۰۹)، *بحار الانوار*. تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: ناشر اسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد، عبدالهادی مسعودی (۱۳۸۸)، *اخلاق*. قم: انتشارات دانشگاه علوم قرآن و حدیث.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، *فلسفه اخلاق*. تهران: انتشارات صدرا.
- مشرف جوادی، محمد حسین، قوچی فرد حمزه، (۱۳۸۸)، "ریسک در بانک ها و موسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی)". *بررسی های بازرگانی*، شماره ۳۸.
- معین، محمد، (۱۳۷۷)، *فرهنگ معین*. تهران: دانشگاه تهران.
- موسایی، میثم، (۱۳۷۷ش)، *تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی (با توجه به روابط اقتصادی معاصر)*. تهران: موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- میر معزی سید حسین، (۱۳۸۶)، "بیع الخيار از دیدگاه فقه و کاربرد آن در بانکداری بدون ربا". *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، دوره هفتم، شماره ۲۵.
- نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۵)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری کرمانی، محمد امیر، (۱۳۸۱ش)، *موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر*. قم: موسسه بوستان کتاب.
- نوری، محدث، (۱۴۰۸ه. ق)، *مستدرک الوسایل*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۳)، *جامع السعادات*. ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی. تهران: انتشارات حکمت.
- یزدی، عباس اسماعیلی، (۱۳۹۰)، *فرهنگ اخلاق*، قم: دلیل ما.
- یوسفی، احمد علی، (۱۳۸۱)، *جبران کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت*، دوره هشتم، شماره ۳۱.

- Harris, Jared D., Sapienza, Harry J., Bowie, Norman E., 2009. Ethics and entrepreneurship. *Journal of Business Venturing* 24. 407–418
- Harmeling, Susan S., Sarasvathy, Saras D., 2009. Related Debates in Ethics and Entrepreneurship: Values, Opportunities, and Contingency. *Business Ethics*
- Machan, Tibor R., 1999. Entrepreneurship and Ethics. *Emerald International Journal of Social Economics*. Volume 26. Number 5.